



# نقش انرژی در دیپلماسی روسیه نسبت به اتحادیه اروپا (۲۰۱۴.۲۰۲۴)

حامد علیزاده<sup>۱</sup>

محمد ترابی<sup>۲</sup>

درجه مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۲۹

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران. dr.hamedalizadeh@yahoo.com

<sup>۲</sup>. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران. (نویسنده مسئول) Mtorabi1418@gmail.com

## چکیده

انرژی یکی از منابع حیاتی برای زندگی بشر است و در روابط کشورها اهمیتی انکارنشدنی دارد. روسیه، یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت، گاز و زغال‌سنگ است و بخش زیادی از انرژی جهان به‌ویژه اتحادیه اروپا را تأمین می‌کند. براین اساس، پژوهش حاضر روابط انرژی روسیه، اتحادیه اروپا و دیپلماسی انرژی مسکو نسبت به این اتحادیه را بررسی خواهد کرد. این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴، انرژی چه نقشی در دیپلماسی روسیه در قبال اتحادیه اروپا ایفا کرده است؟ فرضیه پژوهش بر این مبناست که دیپلماسی روسیه از انرژی برای وابستگی اتحادیه اروپا به این کشور بهره برد، اما با تهاجم روسیه به اوکراین، این وابستگی به شدت کاهش یافت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تا قبل از حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، روسیه سهم مهمی در تأمین گاز اتحادیه اروپا داشت. این نیاز، موجب وابستگی متقابل اقتصادی میان دوطرف شد و روسیه با استفاده از اهرم انرژی، دیپلماسی فشار و اجبار را در مقابل اتحادیه اروپا اتخاذ کرده بود، اما با اشغال اوکراین توسط روسیه، اتحادیه اروپا به این نتیجه رسید که تحریم‌های شدیدی را علیه روسیه اتخاذ کند. ازجمله این تحریم‌ها، محدودیت و کاهش خرید نفت و گاز روسیه بود. روسیه هم در پاسخ به موضع اتحادیه اروپا، دیپلماسی انرژی‌اش را در راستای تنوع‌بخشی به مقاصد صادراتی انرژی، تخفیف قیمت انرژی برای مشتریان غیراروپایی، سخت‌گیری در مقابل سیستم پرداخت پولی اتحادیه اروپا و تلاش برای تفرقه‌افکنی میان اعضای این اتحادیه و جلب رضایت کشورهایمانند مجارستان به کار گرفت.

• واژگان کلیدی

وابستگی متقابل اقتصادی، روسیه، اتحادیه اروپا، دیپلماسی، انرژی.

## بیان مسئله

انرژی در عصر کنونی، یک منبع استراتژیک است و در سیاست‌های منطقه‌ای و استراتژی‌های جهانی نقش مهمی را ایفا می‌کند. اهمیت عرضه ایمن و کافی آن در تعیین جایگاه کشورها در سلسله‌مراتب قدرت جهانی مهم است. چنانکه موضوع امنیت عرضه انرژی برای اتحادیه اروپا به دلیل وابستگی شدید این اتحادیه به واردات انرژی (نفت و گاز) عاملی اثرگذار محسوب می‌شود. این اهمیت روزافزون، چندین دلیل دارد؛ ازجمله اینکه تقاضا برای انرژی با افزایش جمعیت سیر صعودی به خود گرفته است و همچنین به‌واسطه رشد اقتصادی و مصرف صنعتی و شخصی، تقاضای انرژی نیز پیوسته در حال افزایش است. به‌علاوه، دیگر منابع انرژی جایگزین نتوانسته‌اند به میزان قابل ملاحظه‌ای از تقاضای جهانی برای سوخت‌های هیدروکربنی بکاهند. همچنان که الگوی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد، با افزایش تقاضای انرژی در این کشورها، وابستگی آنان نیز به عرضه‌کنندگان خارجی نفت و گاز افزایش می‌یابد. اگرچه انرژی منبعی کمیاب نیست، اما به لحاظ ژئوپلیتیک، عنصری کمیاب محسوب می‌شود، زیرا مناطق اصلی گاز و نفت در جهان محدود است و هزینه‌های استخراج، انتقال و قیمت انرژی نیز به‌گونه‌ای روزافزون افزایش می‌یابد. همچنین محدود بودن منابع، روابط وابستگی را میان کشورها تقویت می‌کند و کشورهای نیازمند انرژی را در معرض فشارهای سیاسی، آسیب‌پذیری و بی‌ثباتی‌های اقتصادی از جانب کشورهای عرضه‌کننده قرار می‌دهد (خواجه، ۱۳۹۵: ۲).

روسیه یکی از غول‌های انرژی است؛ سومین تولیدکننده بزرگ نفت و دومین تولیدکننده بزرگ گاز طبیعی در جهان. براساس برخی برآوردها، سوخت‌های فسیلی ۱۴ درصد از تولید اقتصادی روسیه را تشکیل می‌دهند و درآمد این بخش بیش از ۴۰ درصد از بودجه فدرال روسیه را تشکیل می‌دهد (McBride, 2022: 1). پیشینه تجارت انرژی میان روسیه و اروپا به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد. در این دوران، اتحاد جماهیر شوروی، نفت و گاز تعدادی از کشورهای شرق اروپا را تأمین می‌کرد. به‌تدریج و از اواسط دهه ۱۹۷۰، کشورهای غرب اروپا هم به مشتریان نفت و گاز اتحاد جماهیر شوروی اضافه شدند. این وابستگی باعث شده تا روسیه نیز در بزنگاه‌های تاریخی از دیپلماسی انرژی برای اهداف ملی‌اش استفاده کند و اصطکاک‌هایی هم میان این کشور با اتحادیه اروپا شکل گرفته است. بنا به اهمیت موضوع انرژی، این پژوهش این پرسش را مطرح می‌کند که از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴، انرژی چه نقشی در دیپلماسی روسیه نسبت به اتحادیه اروپا ایفا کرده

است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه تحقیق اینچنین مطرح می‌شود که دیپلماسی روسیه از انرژی برای وابستگی اتحادیه اروپا به این کشور بهره می‌برد، اما با تهاجم روسیه به اوکراین، این وابستگی به‌طور متقابل به‌شدت کاهش یافت.

برای انجام این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی و داده‌های آماری استفاده شده است. به این معنا که در بخشی از پژوهش، نمودارها و آمارهای مختلفی درباره صادرات انرژی روسیه به اروپا طی سال‌های مختلف ارائه شده است. به‌علاوه در این پژوهش سعی شد تا ارکان دیپلماسی روسیه و نوع این دیپلماسی در قبال اتحادیه اروپا با بهره‌گیری از ابزار انرژی توصیف و در بعضی از بخش‌ها هم تحلیل شود. برای مثال، بخش‌هایی مانند دیپلماسی انرژی، نهادهای کارگزار، قواعد و مقررات دیپلماسی روسیه و تاریخچه روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا به روش توصیفی نوشته شده است. در مبحث روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا نیز از روش توصیفی، آماری و تحلیلی به‌طور توأمان بهره گرفته شده است. در مبحث دیپلماسی انرژی روسیه نسبت به اتحادیه اروپا و نتیجه‌گیری، روش تحلیلی به‌کار رفته است، زیرا در این بخش، هدف تحلیل داده‌های موضوع و چرایی تغییر روابط وابستگی متقابل دو بازیگر به سمت واگرایی بوده است.

### پیشینه پژوهش

وثوقی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد متقابل انرژی در روابط روسیه و اتحادیه اروپا»، معتقدند که با وجود تلاش‌های اتحادیه اروپا برای کاهش وابستگی انرژی به روسیه، این اتحادیه نتوانسته است به این هدف نائل شود. زیرا روسیه همواره کوشیده است از منابع انرژی برای گسترش نفوذش بر این اتحادیه استفاده کند.

مؤمنی و توکلی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک انرژی، روابط روسیه و اتحادیه اروپا (برداشت رهبران از نورداستریم ۲)»، عمدتاً بر برداشت و ادراک رهبران در زمینه همکاری و تقابل میان روسیه و اتحادیه اروپا در موضوع انرژی و به‌خصوص پروژه نورداستریم ۲ تأکید دارند و معتقدند که ادراک متفاوت، باعث فعال شدن دیگری دوست - دشمن در روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا شده است.

سیمبر و رضایور (۱۳۹۸) با انتشار مقاله‌ای با عنوان «قدرت ژئوپلیتیکی و روابط ژئوانرژی روسیه با اتحادیه اروپا در اوراسیای بزرگ»، ادعا می‌کنند که فضای حاکم بر روابط دو بازیگر در چهارچوب ژئواکونومی در قبال بحران اوکراین، پروژه‌های خط لوله، بسته انرژی سوم و تحقیقات

ضد تراست اتحادیه علیه روسیه، دوره جدیدی از رقابت و همکاری ژئوپلیتیکی روسیه و اتحادیه اروپا را رقم زده است.

سایدی<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا» می‌نویسد، وابستگی‌های موجود در روابط روسیه و اتحادیه اروپا همراه با نیروهای بازار، موجب هدایت تجارت میان طرفین است. به علاوه، درحالی که تمرکز عمدتاً بر ژئوپلیتیک و تجارت گاز است، ارتباط روبه رشد انرژی هسته‌ای و منابع انرژی تجدیدپذیر هم اهمیتی بسزا دارد.

تیشای<sup>۲</sup> (۲۰۱۹)، در کتاب «روابط انرژی روسیه - اتحادیه اروپا، رویکردی گفتمانی»، جنبه‌های مختلف این روابط را از منظر نظریه تحلیل گفتمان و سازه‌نگاری تجزیه و تحلیل می‌کند. کوستاوا (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «روابط انرژی اتحادیه اروپا - روسیه، یکپارچگی انرژی اتحادیه اروپا و امنیت انرژی: هنر دولت و نقشه راهی برای پژوهش‌های آینده» بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و تشدید شدن مناقشات گازی و سیاسی شدن موضوع انرژی میان روسیه و اتحادیه اروپا را بررسی می‌کند. از دید نویسنده، با توجه به این بحران، لازم است که اتحادیه اروپا به موضوع امنیت انرژی توجهی ویژه داشته باشد و به دنبال راه‌های جایگزین باشد. با عنایت به پیشینه پژوهش، نوآوری این تحقیق در دو نکته نهفته است: هیچ کدام از تحقیقات ذکر شده مفهوم دیپلماسی انرژی روسیه نسبت به اتحادیه اروپا را بررسی نکرده‌اند. حال آنکه این پژوهش منحصرأ به نقش انرژی در دیپلماسی روسیه نسبت به اتحادیه اروپا می‌پردازد. نکته دوم آنکه پژوهش‌های پیشین موضوع انرژی در روابط روسیه و اروپا را تا قبل از جنگ اوکراین مورد توجه قرار داده‌اند، اما این پژوهش دیپلماسی روسیه در قبال اتحادیه اروپا و نقش انرژی در این دیپلماسی پس از حمله این کشور به اوکراین را هم بررسی کرده است.

### چهارچوب نظری پژوهش: وابستگی متقابل اقتصادی

مفهوم وابستگی متقابل اقتصادی در حوزه روابط بین‌الملل، دو تعریف دارد: در وهله اول برای گروهی از کشورها به کار می‌رود که شرایط اقتصادی در یکی، مشروط به شرایطی است که در دیگران وجود دارد. دوم آنکه در صورت گسست رابطه بین آنها، متحمل هزینه متقابل زیادی شوند. به‌طور کلی حالت اول به حساسیت و حالت دوم معمولاً به آسیب‌پذیری در وابستگی متقابل اشاره دارد. مفاهیم بنیادین وابستگی متقابل را می‌توان شامل وابستگی متقابل، قدرت، حساسیت، آسیب‌پذیری، هزینه، تقارن و

<sup>1</sup>. Siddi

<sup>2</sup>. Tichý

عدم تقارن دانست. از نظر کوهین و نای، دو تن از شارحان اصلی این نظریه، وابستگی متقابل عبارت از سطح بالای جریان تراکنش در طول مرزهای بین‌المللی و اثرات هزینه متقابل مرتبط با چنین مبادلاتی یا در ساده‌ترین مفهوم، وابستگی دوجانبه است. هدف کوهین و نای، ارائه چهارچوب مکمل برای قدرت در روابط بین‌الملل بود (دهقانی فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۴).

تعریف نای و کوهین درباره وابستگی متقابل به تعریف دیوید بالدوین در این‌باره شباهت دارد که برگرفته از بررسی آثار اولیه وابستگی متقابل است و به روابط بین‌المللی اشاره دارد که «برای نقض کردن پرهزینه خواهد بود»؛ به عبارت دیگر، در وابستگی متقابل «هزینه‌های فرصت استقلال بسیار گران هستند». حتی در صورتی که وابستگی متقابل اقتصادی امکانات اقتصادی کشور را افزایش دهد، محدودیت‌ها و قیودی را ایجاد می‌کند. بنابراین، مفهوم وابستگی متقابل هر دو عنصر سود و هزینه را به همراه دارد. چهارچوب نظری رابطه وابستگی متقابل با منازعات، مشکل برخورد با این جنبه دوگانه از وابستگی متقابل است. مکانیسم‌های علی نظریه نیز تمایل به تمرکز یا روی جنبه مثبت (منافع متقابل) یا جنبه منفی (نامتقارن یا پرهزینه بودن) وابستگی متقابل دارد (دهقانی فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۴ به نقل از مک میلان، ۱۹۹۷: ۳۵).

این تئوری که افزایش وابستگی متقابل اقتصادی باعث کاهش تعارض می‌شود، مبتنی بر سه گزاره است: منافع تجاری برای دولت‌ها و تصمیم‌گیرندگان ارزشمند است. تضاد باعث کاهش یا قطع کامل تجارت خواهد شد و تصمیم‌گیرندگان قبل از انتخاب برای شروع جنگ، دو گزاره قبلی را در نظر خواهند گرفت. براساس این گزاره‌ها باید انتظار داشت که هرچه سود تجارت بیشتر باشد، هزینه درگیری به‌طور بالقوه بیشتر خواهد بود. پس از یک نقطه خاص، ممکن است ارزش تجارت آن قدر بالا رود که دولت مورد نظر از نظر اقتصادی به دیگری وابسته شود. طرفداران این نظریه استدلال می‌کنند که اگر دو دولت به این نقطه از وابستگی متقابل (وابستگی متقابل) رسیده باشند، تصمیم‌گیرندگان آنها، برای تداوم روابط تجاری بالاتر از هر نوع دستاورد بالقوه‌ای که از طریق جنگ حاصل می‌شود، ارزش قائل هستند (Copeland, 1996: 5).

تئوری وابستگی متقابل اقتصادی این فرض را مطرح می‌کند که تعارض باعث کاهش یا قطع تجارت می‌شود. به نظر می‌رسد این فرض منطقی است، زیرا انتظار می‌رود در لحظه‌ای که دو دولت رسماً با هم مخالف هستند، ترس از دستاوردهای نسبی تضمین می‌کند که سیاست‌گذاران می‌خواهند تجارت را به‌طور کامل قطع کنند. با این حال، نمونه‌های تاریخی بسیاری از تجارت بین دولت‌های متخاصم در زمان جنگ وجود دارد؛ از جمله کالاهای

استراتژیکی که مستقیماً بر توانایی دشمن در جنگ تأثیر می‌گذارد (Levy&Barbieri,1999:464). برای مثال، در جنگ‌های انگلیس و هلند، شرکت‌های بیمه بریتانیایی به بیمه کردن کشتی‌های دشمن ادامه دادند و برای جایگزینی کشتی‌هایی که توسط ارتش خودشان نابود می‌شد، پول پرداخت کردند (Levy&Barbieri,1999:465). حتی در طول جنگ جهانی دوم، نمونه‌های فراوانی از شرکت‌های آمریکایی وجود دارد که به تجارت کالاهای استراتژیک با آلمان نازی ادامه می‌دادند (Einstein,2017:3).

### تعریف مفهوم دیپلماسی انرژی

دیپلماسی انرژی مجموعه برنامه‌ها و سیاست‌های کشورهایی است که به واسطه تعاملات بین‌المللی به دنبال تحقق دست‌کم دو هدف اصلی هستند: هدف اول در حوزه انرژی است که در اسناد سیاسی یا اوراق ملی مربوط به انرژی آن کشور تعریف و مشخص شده باشد. هدف دوم، ارتقای ملی و بین‌المللی و ایفای نقش مؤثرتر در عرصه بین‌المللی است (Adeli,2010:59). در تعریفی دیگر، دیپلماسی انرژی به شیوه‌ها و هنجارهایی اشاره دارد که براساس آن نهادهای سیاسی و شرکت‌های بزرگ انرژی برای ترویج تجارت انرژی با یکدیگر همکاری می‌کنند. در کشورهای تولیدکننده مهم انرژی، مانند روسیه، نهادهای سیاسی و شرکت‌های اصلی انرژی با یکدیگر همکاری می‌کنند تا زمینه تقاضا برای صادرات کالاهای انرژی - مانند نفت، فرآورده‌های نفتی، گاز طبیعی، زغال سنگ و اورانیوم - را فراهم کنند. به همین منوال، در کشورهای واردکننده انرژی، نهادهای سیاسی و شرکت‌های بزرگ انرژی برای امنیت واردات انرژی همکاری می‌کنند. از این رو، صادرکنندگان و واردکنندگان انرژی، از دیپلماسی انرژی برای حمایت از تجارت و سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی استفاده می‌کنند. دیپلماسی انرژی شامل جلسات، مذاکرات و توافقات برای تعیین چهارچوب سیاسی تجارت انرژی است. هدف از دیپلماسی انرژی، ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضای انرژی است. از آنجاکه دیپلماسی انرژی در مورد گسترش شیوه‌های دیپلماتیک در تجارت انرژی است، ترکیبی از بازیگران و منافع عمومی و خصوصی را دربر می‌گیرد که به هم مرتبط هستند (Alato,2016:1).

## دیپلماسی انرژی روسیه

از آنجایی که دیپلماسی انرژی درباره گسترش شیوه‌های دیپلماتیک در تجارت انرژی است، ترکیبی از بازیگران و منافع عمومی و خصوصی را دربر می‌گیرد و بسیاری از آنها می‌توانند به هم مرتبط باشند. دیپلماسی انرژی روسیه نمونه بارز چنین پیوندهایی است. هیچ قدرت بزرگ دیگری به اندازه روسیه که بزرگ‌ترین صادرکننده گاز جهان، دومین صادرکننده نفت و سومین صادرکننده زغال سنگ است، صادرکننده انرژی نیست. هیچ صادرکننده بزرگ انرژی دیگری مانند روسیه به دلیل میراث ابرقدرت بودن و همسایگان متفاوت، منافع سیاست خارجی مشابهی ندارد. بازیگران اصلی دیپلماسی انرژی، نهادهای سیاسی و شرکت‌های انرژی هستند. آنها می‌توانند تصمیم بگیرند که برخی وظایف کوچک‌تر و محدودتر را به نهادهایی که به عنوان کارگزار عمل می‌کنند، محول کنند. قوانین و هنجارهای رسمی زیربنای فعالیت‌های بازیگران اصلی و نهادهای عامل است. در مورد روسیه، این بازیگران همیشه با یکدیگر همسو نیستند (Alato, 2016:1).

درک ارتباط نزدیک بین سیاست خارجی و انرژی برای اولین بار در استراتژی انرژی فدراسیون روسیه در سال ۲۰۰۳ منعکس شد. بهبود موقعیت روسیه در سیستم بین‌المللی از طریق استفاده هوشمندانه از منابع انرژی نیز یکی از اهداف کلیدی استراتژی انرژی در سال ۲۰۳۰ است. علاوه بر این، پروژه استراتژی آینده انرژی روسیه در ۲۰۳۵ نشان داده است که یک هدف کلیدی جدید سیاست انرژی برای سال‌های آینده، تقویت موقعیت روسیه در بازارهای جهانی انرژی است. بنابراین، می‌توان در بین خطوط همه استراتژی‌های انرژی روسیه به این نتیجه رسید که هدف مسکو تبدیل شدن به ابرقدرت جهانی در حوزه انرژی در آینده‌ای نزدیک است. سیاست انرژی روسیه اغلب مؤثر است، زیرا رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر روسیه مستقیماً در فرایند تصمیم‌گیری تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان نفت و گاز دولتی دخالت دارند. به علاوه، دانش پوتین از سیاست و صنعت انرژی با هیچ یک از هم‌تایان اروپایی او قابل مقایسه نیست (Slobodian, 2023:1). ارتقای منافع ملی روسیه از طریق استفاده از منابع انرژی، محور برنامه آموزشی دیپلمات‌های آینده این کشور را تشکیل می‌دهد. برای مثال، مؤسسه بین‌المللی سیاست انرژی و دیپلماسی، در سال ۲۰۰۰ با هدف تربیت دیپلمات‌های روس برای حوزه انرژی، تأسیس شد. از سال ۲۰۱۰، دوره دیپلماسی انرژی روسیه بخشی از برنامه آموزشی در تمام دانشگاه‌های مربوطه شد. در واقع، دیپلماسی انرژی روسیه نهادینه شده و بسیاری از ویژگی‌ها و روش‌های کاری دوران شوروی در عرصه بین‌المللی را حفظ کرده است (Slobodian, 2023:1).



## بازیگران اصلی دیپلماسی انرژی روسیه

۱. **رئیس‌جمهور:** در روسیه، رئیس‌جمهور، رهبر استراتژیک دیپلماسی انرژی است. این امر به‌ویژه در مورد سه دوره رئیس‌جمهوری ولادیمیر پوتین (از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ تاکنون) که دانش عمیقی از صنعت انرژی دارد، صدق می‌کند (Lough, 2011:1). در این چهارچوب، دفتر ریاست‌جمهوری و دولت از سیاست رئیس‌جمهور حمایت می‌کنند (Tkachenko, 2007:170). رئیس‌جمهور روسیه بر عملیات استراتژیک شرکت‌های انرژی که در زمینه اکتشاف، تولید، حمل‌ونقل و تجارت انرژی کار می‌کنند، نظارت دارد. حق صدور مجوز برای اکتشاف، توسعه، تجارت و صادرات تمامی منابع زیرزمینی در انحصار دولت است. همچنین، به دلیل اینکه وزارت امور خارجه به‌طور مستقیم تحت نظر رئیس‌جمهور اداره می‌شود، در دیپلماسی انرژی در حوزه ریاست‌جمهوری قرار دارد.

۲. **نخست‌وزیر و وزارتخانه‌ها:** دومین بازیگر مطرح در دیپلماسی انرژی روسیه، نخست‌وزیر و وزارتخانه‌ها، از جمله وزارت انرژی، صنعت و تجارت، حمل‌ونقل و اقتصاد هستند. نخست‌وزیر به امور خاص مانند هماهنگی میان وزارتخانه‌ها مشغول است و سعی می‌کند فرامین رئیس‌جمهور درباره هماهنگی شرکت‌های انرژی خصوصی و دولتی و وزارتخانه‌های مربوطه را اجرایی کند. وزارت انرژی، صنعت و تجارت، حمل‌ونقل و اقتصاد هم سعی می‌کنند ضمن کمک به شرکت‌های انرژی روسیه، از آنها در مقابل چالش‌های داخلی و خارجی حمایت کرده و زمینه تأمین منافع این شرکت‌ها و دولت را ایجاد کنند.

۳. **شرکت‌های انرژی:** سومین بازیگر عمده در دیپلماسی انرژی روسیه، شرکت‌های انرژی هستند. برخی از این شرکت‌ها کاملاً دولتی، برخی دولتی - خصوصی و شرکت‌های دیگر، کاملاً خصوصی هستند. از میان شرکت‌های اصلی انرژی، ۷۰ درصد سهم «روس‌نفت»<sup>۱</sup> و ۵۰ درصد از سهم «گازپروم»<sup>۲</sup> متعلق به دولت است. «زاروبزنف»<sup>۳</sup> کاملاً دولتی است. «باشنف»<sup>۴</sup> در سال ۲۰۱۴ مجدداً ملی شد، درحالی‌که «لوک‌ویل»<sup>۵</sup>، «نواک»<sup>۶</sup> و «سورگوت نفت گاز»<sup>۷</sup> مالکیت خصوصی دارند. همه این شرکت‌ها علاوه بر حفظ منافع دولت، باید به اندازه کافی سودآور باشند

۱. Rosneft

۲. Gazprom

۳. Zarubezneft

۴. Bashneft

۵. Lukoil

۶. Novatek

۷. Surgutneftegas

تا بتوانند درآمدی برای دولت و سایر سهامداران ایجاد کنند. با این حال، هماهنگی استراتژیک دیپلماسی انرژی در روسیه چالش برانگیز است، زیرا نهادهای فدرال، مناطق حوزه انرژی و شرکت‌ها دارای منافع متضادی هستند.

شرکت‌های نفتی روسیه در بازارهای آزاد جهانی فعالیت می‌کنند، اما به خدمات انحصاری دولتی در زمینه ترانزیت خط لوله نفت، راه‌آهن روسیه و زیرساخت‌های بنادر متکی هستند. برای مثال، گازپروم تا سال ۲۰۱۷ انحصار صادرات گاز از طریق خط لوله را در اختیار داشت، اما از آن زمان به بعد، شرکت‌های «نواک» و «روسنفت» این انحصار را شکستند. بنابراین، نهادهای سیاسی روسیه باید منافع متنوع، محیط‌های عملیاتی و الگوهای تجاری شرکت‌های انرژی را درک کنند. این امر برای کمک به شرکت‌ها به منظور کسب سود از صادرات انرژی و در نهایت، مالیات بر این سود برای حمایت از بودجه دولتی ضروری است و منافع مالی بسیاری برای دولت به همراه دارد، زیرا صادرات انرژی تقریباً نیمی از بودجه دولت و بیش از دوسوم ارزش تجارت خارجی روسیه را تشکیل می‌دهد. از این رو، باید بین منافع شرکت‌ها و منافع دولت، تعادل و توازنی ایجاد شود (Alato, 2016: 1-2).

در راستای ارتقای منافع شرکت‌های انرژی روسیه، نهادهای سیاسی روسیه عمدتاً بر دیپلماسی انرژی دوجانبه تکیه می‌کنند. نهادهای دوجانبه شامل مذاکرات دوجانبه نهادهای سیاسی و انرژی روسیه با اتحادیه اروپا، نروژ، ایالات متحده آمریکا و چین و نشست‌ها و مذاکرات کمتر نهادینه شده با کشورهایی از همه قاره‌هاست. توسعه یافته‌ترین نهاد کارگزار، گفتگو درباره انرژی میان اتحادیه اروپا و روسیه است. طرفین در مورد هشدارهای اولیه برای ممانعت از هرگونه اختلال در عرضه یا تقاضا و دیگر هماهنگی‌های با هم توافق کرده و سناریوهایی را برای تجارت متقابل انرژی در همه بخش‌های بازار مهیا می‌کنند. اگرچه این نهاد به سیاست‌زدایی تجارت انرژی میان اتحادیه اروپا و روسیه کمک کرده است، اما نتوانسته مانع از اختلال در تجارت انرژی دوطرف از سال ۲۰۰۶ شود (Romanova, 2014: 49). به علاوه این نهاد نمی‌تواند به محدود کردن اثرات منفی تحریم‌های اتحادیه اروپا در زمینه اعتبار بلندمدت و صادرات فناوری‌های حفاری نفت فراساحلی و قطب شمال به روسیه در سال ۲۰۱۴ و در پاسخ به الحاق کریمه به روسیه از اوکراین کمک کند.

در چهارچوب دیپلماسی چندجانبه انرژی، روسیه در نشست سازمان‌هایی مانند گروه ۲۰ و مجمع کشورهای صادرکننده گاز شرکت می‌کند. هدف اصلی روسیه از شرکت در نشست این

سازمان‌ها، پیشبرد منافع تولیدکنندگان انرژی در زمینه میزان تقاضا و رفع نگرانی کشورهای مصرف‌کننده درباره تأمین منابع است. اجلاس سران گروه ۸ که در سال ۲۰۰۶ در سن‌پترزبورگ برگزار شد، نتیجه قابل توجه دیپلماسی انرژی روسیه از نظر تعهد به وابستگی متقابل بین منافع کشورهای تولیدکننده، مصرف‌کننده، حمل‌ونقل و تسهیم خطرات و آسیب‌ها بین همه سهامداران بود. در زنجیره انرژی بیابانه مسکو در مجمع کشورهای صادرکننده گاز در سال ۲۰۱۳، بر منافع روسیه در «حاکمیت مطلق و دائمی» بر منابع، اولویت گازپروم برای عقد قراردادهای بلندمدت گاز و «قیمت‌گذاری گاز براساس شاخص‌سازی نفت/محصولات نفتی» تأکید کرد (Aalto, 2016:2). یکی دیگر از جنبه‌های دیپلماسی روسیه، عضویت این کشور به‌عنوان ناظر در مجمع صادرکنندگان نفت اوپک است؛ سازمانی که به دنبال کنترل قیمت‌ها و بازارهای جهانی نفت است. به‌علاوه، کارشناسان روسی نیز در نشست‌های دیپلماسی انرژی «شیار دو»<sup>۱</sup> شرکت می‌کنند. همچنین شرکت‌های انرژی روسیه با حمایت مالی از ورزش‌های تیمی، مانند فوتبال و هاکی روی یخ، از ابزار «دیپلماسی نرم»<sup>۲</sup> استفاده می‌کنند (Aalto, 2016:2).

### قواعد و مقررات رسمی در دیپلماسی انرژی روسیه

روسیه توافقات چندجانبه زیادی در حوزه دیپلماسی انرژی نداشته است. به همین دلیل، با وجود عضویت روسیه در سازمان تجارت جهانی، مقررات و قواعد این سازمان پیامدهای چندانی بر دیپلماسی انرژی روسیه ندارد. همچنین روسیه از سال ۲۰۰۹، مفاد معاهده‌های چندجانبه انرژی را که در سال ۱۹۹۴ امضا کرده بود، هرگز تصویب نکرد. بنابراین، با وجود موافقت‌نامه‌های دوجانبه، اعلامیه‌ها و یادداشت‌های تفاهم میان روسیه و دیگران، عمدتاً قوانین و مقررات داخلی زیربنای دیپلماسی انرژی روسیه را شکل می‌دهند (Alato, 2016:2-3).

هدف استراتژی انرژی روسیه تا سال ۲۰۳۵، تنوع‌بخشی به صادرات انرژی از بازارهای اروپا به آسیا، ۱۲ تا ۲۳ درصد صادرات نفت و ۶ تا ۳۱ درصد صادرات گاز طبیعی است. در این چهارچوب، روسیه می‌کوشد میزان فروش گاز طبیعی به چین را افزایش دهد. بدین منظور، شرکت گازپروم و شرکت چینی سی.ان.پی.سی در ماه می ۲۰۱۴، توافق‌نامه خرید و فروش گاز طبیعی را امضا کردند که به موجب آن، میزان صادرات گاز روسیه به چین از طریق خط لوله پاور سیرر به ۳۸ میلیارد مترمکعب در سال می‌رسد (Motomura, 2014:74). پیش از این هم در

1. Track Two' energy

2. soft diplomacy

سال ۲۰۱۴، کمیسیون اروپا به دلیل نقض احتمالی قوانین رقابتی اتحادیه اروپا، توافق‌های دوجانبه روسیه با چند کشور ترانزیتی پروژه خط لوله گاز طبیعی استریم جنوبی با مدیریت گازپروم به اروپای جنوب‌شرقی را به چالش کشید (Alato, 2014).

### روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا

روابط انرژی اتحادیه اروپا و روسیه دارای چشم‌اندازی تاریخی است. صادرات قابل توجه نفت و گاز شوروی به اروپا به دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد. در سال ۱۹۶۴، «خط لوله نفت دروژبا»<sup>۱</sup> به بهره‌برداری رسید و شوروی صادرات نفت را به کشورهای عضو «شورای کمک‌های اقتصادی متقابل»<sup>۲</sup> به‌ویژه چکسلواکی، مجارستان، لهستان و جمهوری دموکراتیک آلمان آغاز کرد (Belyi, 2015: 76-77).

در پی مذاکرات فشرده، چندین کشور اروپای غربی با مسکو قرارداد گاز منعقد کردند و یک شبکه خط لوله بین‌قاره‌ای برای انتقال گاز سیبری به اروپای غربی ساخته شد (Högselius, 2013: 3). در دهه ۱۹۸۰ و با وجود نگرانی‌ها و مخالفت‌های دولت ریگان در ایالات متحده، تجارت انرژی بین اتحاد جماهیر شوروی و اروپای غربی همچنان رو به افزایش بود و در نتیجه، منطق تقابلی جنگ سرد را به چالش می‌کشید. مهم‌تر از همه، در دوران اوج تنش‌های نظامی بین بلوک شرق و غرب، خط لوله «اورنگوی - اوژگورد» که برای گسترش صادرات گاز شوروی به اروپا ضروری بود، در سال ۱۹۸۴ راه‌اندازی شد (Högselius, 2013: 123).

پس از پایان جنگ سرد، تجارت انرژی به سرعت گسترش یافت و سنگ‌بنای وابستگی متقابل روسیه و اتحادیه اروپا شد. در طول دهه ۱۹۹۰، حتی کشورهایی که به اهداف سیاست خارجی روسیه مشکوک بودند، نسبت به پروژه‌های انرژی تحت رهبری مسکو موضعی مثبت گرفتند. در سال ۱۹۹۳، سیاست‌گذاران لهستانی برای ساخت خط لوله یامال اروپا و گاز بلندمدت، توافق‌نامه‌ای با روسیه به عنوان «قرارداد قرن» امضا کردند (Gorska 2010: 107-114). همچنین، خط لوله انتقال گاز روسیه به آلمان و لهستان از طریق بلاروس در سال ۱۹۹۷ به بهره‌برداری و در سال ۲۰۰۵ به حداکثر ظرفیت ۳۳ میلیارد مترمکعب در سال رسید. علاوه بر این، در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، چندین شرکت انرژی اروپای غربی مشارکت‌شان در تجارت

<sup>۱</sup>. Druzhba oil pipeline

<sup>۲</sup>. Council for Mutual Economic Assistance (Comecon)

انرژی با روسیه را افزایش دادند و پروژه‌های جدیدی را با شرکت دولتی روسیه گازپروم شروع کردند (Siddi, 2020:6).

باین حال، در نیمه دوم دهه ۲۰۰۰، تحولات سیاسی تأثیراتی منفی بر تجارت انرژی اتحادیه اروپا و روسیه داشت. در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹، اختلافات بین روسیه و اوکراین در مورد قیمت و ترانزیت گاز باعث اختلالات موقت در عرضه گاز روسیه به اروپا شد (تقریباً ۸۰ درصد انتقال گاز روسیه به اروپا از طریق اوکراین صورت می‌گیرد). اصطکاک‌های ژئوپلیتیکی جدید بین مسکو و غرب با این تحولات همراه بود که منجر به امنیت‌سازی فزاینده گفتمان‌های سیاسی در مورد انرژی شد. چشمانداز گسترش ناتو، جنگ روسیه و گرجستان در اوت ۲۰۰۸ و سیاست خارجی قاطعانه روسیه به تنش‌ها دامن زد. بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ این تنش‌ها را به رویارویی آشکار تبدیل کرد و بر موضع اتحادیه اروپا و روسیه در قبال تجارت انرژی آنها تأثیر گذاشت (Siddi, 2020:6).

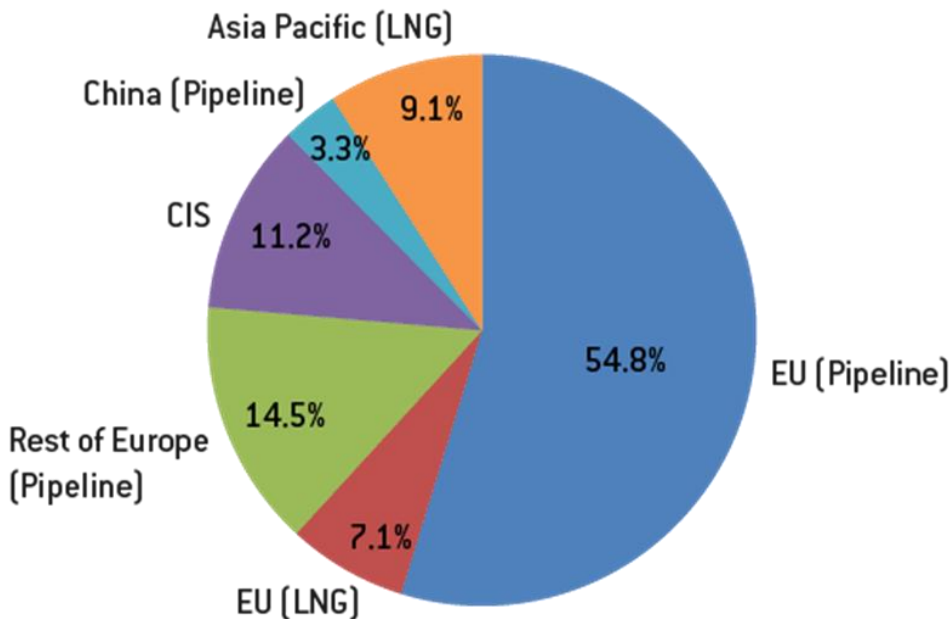
هنگامی که بحران اوکراین در اوایل سال ۲۰۱۴ تشدید شد و اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را علیه روسیه اعمال کرد، امنیت انرژی یکی از نگرانی‌های اصلی در میان سیاست‌گذاران بروکسل بود. منابع انرژی روسیه تقریباً ۴۰ درصد گاز، ۳۳ درصد نفت خام و ۲۹ درصد از سوخت جامد وارداتی توسط اتحادیه اروپا را پوشش می‌دهد. اگرچه نفت جزء سودآورترین تجارت‌های انرژی اتحادیه اروپا و روسیه است، اما گاز به لحاظ سیاسی، مهم‌ترین منبع و کالا شناخته می‌شود، زیرا حمل‌ونقل گاز از نظر فنی دشوارتر است و صادرکنندگان به سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت در خطوط لوله یا پایانه‌های گاز طبیعی مایع نیاز دارند. تقریباً نیمی از واردات گاز روسیه توسط اتحادیه اروپا از طریق اوکراین انجام می‌شد. بنابراین، با شروع بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، بیم آن می‌رفت که امنیت انرژی اتحادیه اروپا قربانی این بحران سیاسی شود و اروپا با کمبود گاز مانند آنچه ناشی از بحران ترانزیت گاز روسیه و اوکراین در ژانویه ۲۰۰۹ بود، مواجه شود. این نگرانی به‌ویژه در کشورهای اروپای شرقی - مانند لتونی، بلغارستان و اسلواکی - که نسبت به دیگر کشورها به گاز روسیه وابسته‌تر بودند، بیشتر بود (Siddi, 2020:6-7).

بنابراین، کشورهای عضو اتحادیه اروپا توافق کردند که پیش‌نویس استراتژی امنیت انرژی اروپا در سال ۲۰۱۴ و چهارچوب اتحادیه انرژی را در ۲۰۱۵ تهیه کنند. ازجمله اهداف این دو طرح، تنوع‌بخشی به واردکنندگان انرژی و تقویت انعطاف‌پذیری اتحادیه اروپا در مقابل بحران‌های انرژی بود. همچنین، اتحادیه انرژی بر افزایش امنیت انرژی و همبستگی، ایجاد یکپارچگی بازار انرژی

اتحادیه اروپا، بهبود بهره‌وری انرژی، کربن‌زدایی اقتصاد و حمایت از نوآوری و رقابت‌پذیری تمرکز کرد. به‌منظور تقویت امنیت انرژی، اتحادیه انرژی ساخت خطوط لوله جدید - به‌ویژه کریدور گاز جنوبی - و پایانه‌های ال.ان.جی برای واردات گاز غیرروسی را در نظر گرفت (Siddi, 2020:7).

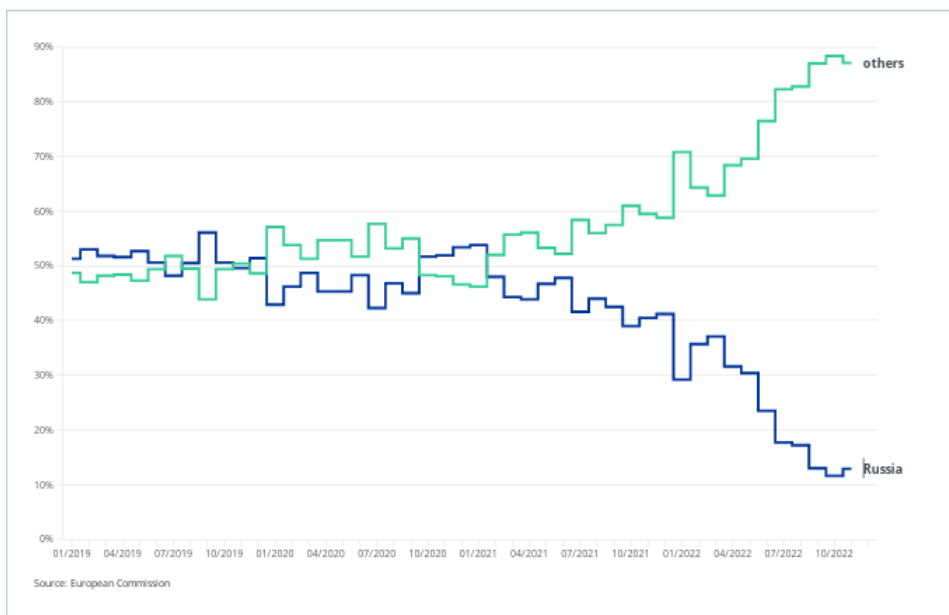
با حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، رابطه تجارت انرژی میان روسیه و اتحادیه اروپا به کلی دگرگون شد. اروپا تا قبل از حمله روسیه به اوکراین، خریدار اصلی گاز روسیه بوده است. نمودار ۱ مشخص می‌کند که ۷۶/۴ درصد گاز روسیه به اروپا صادر می‌شد. در این میان، اتحادیه اروپا خریدار ۶۱/۹ درصد و بقیه کشورهای اروپایی خریدار ۱۴/۵ درصد گاز روسیه بودند، اما پس از جنگ، این شرایط تغییر کرده و اروپا وابستگی گازی خود به روسیه را به‌شدت کاهش داده است؛ به‌نحوی که سهم صادرات گاز روسیه به اتحادیه اروپا از ۵۶ درصد در ژانویه ۲۰۲۱ به ۱۲ درصد در اکتبر ۲۰۲۲ کاهش یافته است. چنین کاهش زیادی در صادرات گاز، بالطبع باعث کاهش درآمدهای گازی روسیه خواهد شد (قاسمی، ۱۴۰۱: ۱۹).

نمودار شماره ۱: صادرات گاز خط لوله و ال.ان.جی روسیه در سال ۲۰۲۱

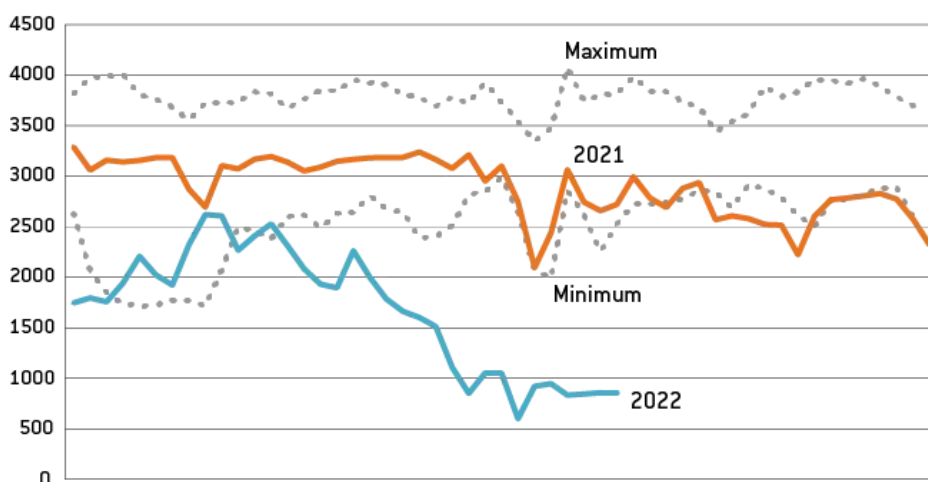


(منبع: Demertize et al, 2022, BP)

نمودار شماره ۲: مقایسه میزان وابستگی اتحادیه اروپا به گاز روسیه و سایر کشورها قبل و بعد از شروع جنگ



نمودار شماره ۳: مقایسه میزان صادرات گاز روسیه به اتحادیه اروپا و بریتانیا در سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲



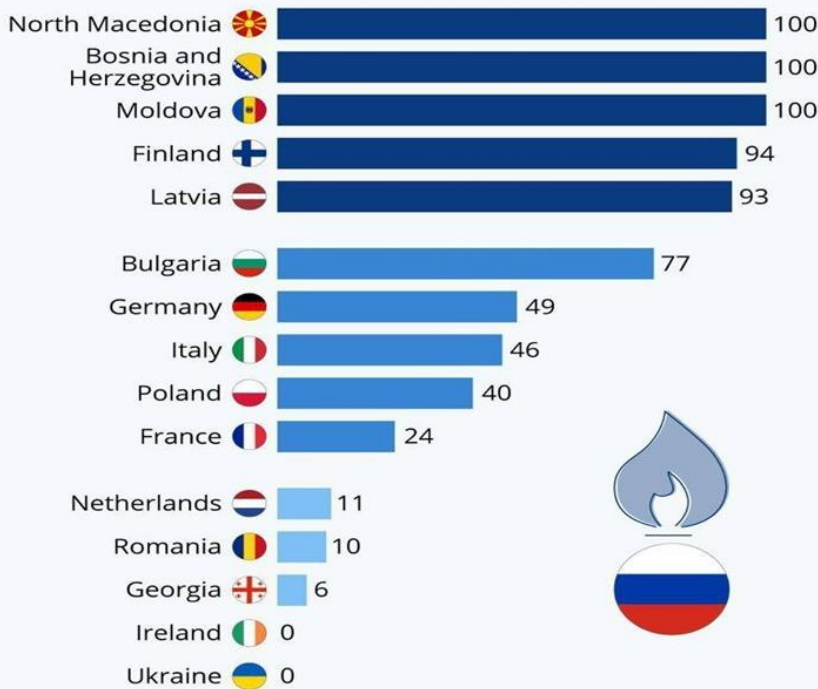
(منبع: Demertize et al, 2022)

از سوی دیگر، روسیه باید بخش عمده‌ای از زیرساخت‌های صادرات گاز خود را تعطیل کند، زیرا حدود ۶۰ درصد از صادرات گاز این کشور از غرب به اتحادیه اروپا و انگلیس صادر می‌شد و نمی‌تواند مشتریانی با این حجم از وابستگی را جایگزین کند.

نمودار شماره ۴: میزان وابستگی کشورهای اروپایی به گاز روسیه براساس داده‌های سال ۲۰۲۰

## Which European Countries Depend on Russian Gas?

% share of gas supply from Russia in selected European countries (2020 or latest available)



Ukraine buys its gas from the EU since 2015.

Source: European Union Agency for the Cooperation of Energy Regulators



statista



براساس نمودار شماره ۴، مقدونیه شمالی، بوسنی و هرزگوین و مولداوی صددرصد گاز مصرفی را از روسیه وارد می‌کردند. میزان واردات گاز فنلاند از روسیه ۹۴ درصد، لتونی ۹۳ درصد، بلغارستان ۷۷ درصد، آلمان ۴۹ درصد، ایتالیا ۴۶ درصد، لهستان ۴۰ درصد و فرانسه ۲۴ درصد بوده است. آمار مبین آن است که اقتصادهای بزرگ اتحادیه اروپا مانند آلمان، ایتالیا و فرانسه تا حد زیادی به واردات گاز روسیه متکی بوده‌اند، اما با شروع جنگ و کاهش وابستگی این کشورها به گاز روسیه، قیمت گاز افزایش یافت و این مسئله موجب افزایش قیمت‌ها در حوزه‌های دیگر شد. به‌علاوه، واردات گاز آل. ان. جی به‌خصوص از ایالات متحده آمریکا با هزینه‌های به‌مراتب بیشتری از روسیه همراه بوده است (قاسمی، ۱۴۰۱: ۲۵).

### دیپلماسی انرژی روسیه نسبت به اتحادیه اروپا

یکی از محورهای اصلی دیپلماسی انرژی روسیه نسبت به اتحادیه اروپا، موضع سازش‌ناپذیر در جریان مذاکرات در راستای دستیابی به نتایج از پیش تعیین شده است. مؤلفه‌های چنین رویکردی عبارت است از: محدود کردن گزینه‌های طرف مقابل، طرح مباحث مسئله‌زا و فشار بر طرف مقابل. مذاکرات اتحادیه اروپا، اوکراین و روسیه در مورد بسته گازی زمستانی ۲۰۱۴ یا ۲۰۱۵، نمونه‌ای گویا از این رویکرد است.

پس از هفت دور مذاکرات فشرده بین روسیه و اوکراین که توسط کمیسیون اروپا تسهیل شد، روی یک بسته زمستانی ۴/۶ میلیارد دلاری برای تأمین گاز اوکراین و اتحادیه اروپا توافق شد. سازماندهی چنین مذاکراتی قبل از فصل زمستان دشوار بود. به‌علاوه، روسیه با تبلیغات رسانه‌ای به دنبال تشدید درگیری بود و با طرح «مسئله اوکراین» به دنبال سقوط بازار اروپا بود. درنهایت، مقامات اروپایی و اوکراینی با محدودیت زمان مواجه شدند و یک قرارداد کاملاً یک‌سویه به نفع روسیه را امضا کردند. براساس این قرارداد، گازپروم، اوکراین را مجبور کرد تا ۳/۱ میلیارد دلار بدهی خود را به‌طور کامل پرداخت کند. توافق‌نامه تصریح می‌کند که روسیه تنها براساس پیش‌پرداخت، گاز اوکراین را تأمین می‌کند. سوم، قیمت گاز برای اوکراین در سطح ۳۸۵ دلار در مترمکعب باقی ماند و اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول ضامن اوکراین شدند (Slobodian, 2023: 1).

موفقیت روسیه در این مذاکرات عمدتاً به دلیل موقعیت بسیار دشواری بود که دیپلماسی اروپایی در آن زمان با آن مواجه بود، زیرا دیپلمات‌های اروپایی می‌دانستند که باید مصالحه‌ای در

مناقشه گاز روسیه و اوکراین صورت بگیرد و پیامدهای ناشی از محدودیت یا وقفه در عرضه گاز روسیه به اروپا را به حداقل برساند. رسیدن به این اهداف هم تنها زمانی عملی شد که دیپلمات‌های اروپایی همه شروط همتایان روسی خود را پذیرفتند.

روسیه از منابع انرژی خود به سه منظور بهره‌برداری می‌کند:

۱. دستیابی به منافع اقتصادی؛

۲. حفظ، افزایش و اعمال نفوذ سیاسی در خارج نزدیک؛

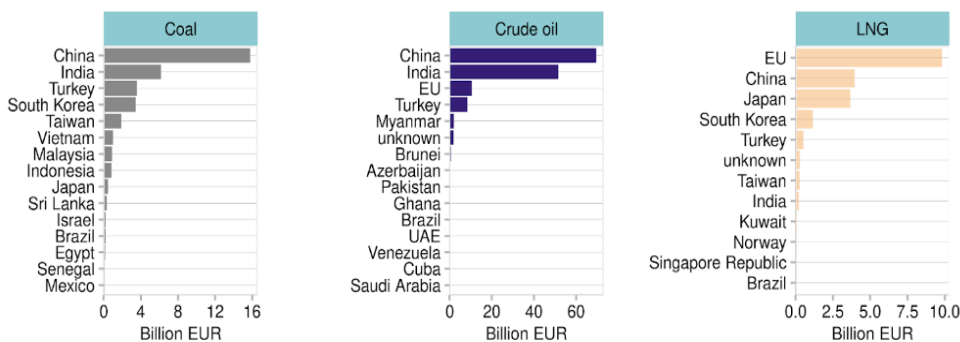
۳. اعمال فشار سیاسی به مصرف‌کنندگان نهایی در صورت نیاز.

شیوه‌های روسیه برای استفاده از انرژی به‌عنوان ابزار فشار و اهرم سیاست خارجی متنوع است، اما درمجموع شامل سیاست‌گذاری عرضه انرژی، کنترل سرمایه، قطع عرضه، مفاد قراردادهای و مسیرهای جایگزین برای عرضه می‌شود. استفاده روسیه از ابزار انرژی به این واقعیت مربوط می‌شود که رابطه میان روسیه و اتحادیه اروپایی با میزان قابل توجهی از وابستگی متقابل نامتقارن مشخص می‌شود. از آنجاکه بروکسل به‌شدت از توازن نداشتن در مناسبات انرژی روسیه - اتحادیه اروپایی رنج می‌برد و جایگزینی نیز برای عرضه انرژی دست‌کم در کوتاه مدت وجود ندارد، اعضای اتحادیه اروپا به‌رغم وجود اختلافات، ناگزیر به تعامل مثبت با مسکو هستند. بنابراین، تصادفی نیست که دولت‌های عضو اتحادیه اروپا از اعمال تحریم‌های اقتصادی بر بخش‌های مهم گاز و نفت روسیه در واکنش به الحاق کریمه یا مداخله در شرق اوکراین خودداری کرده‌اند. تلاش جدی آلمان برای تکمیل طرح خط لوله جریان شمالی ۲ به‌رغم مخالفت‌های صریح واشنگتن نیز می‌تواند نشانه‌ای مبنی بر حفظ اهرم صادرات گاز روسیه در برابر اروپا به‌شمار رود (حبیبی، اردستانی، طباطبائی‌پناه، ۱۳۹۸: ۱۰۵).

بااین‌حال، پس از حمله روسیه به اوکراین و تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه این کشور، در این چهارچوب، مسکو فعالانه به دنبال تقویت وابستگی انرژی سایر نقاط جهان به انرژی خود است تا اهرمی ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی در دست داشته باشد. از این‌رو روسیه، صادرات گاز آل. ان. جی به چین را بیش از دو برابر کرده و صادرات نفت به همین کشور را تا ۴۴ درصد افزایش داده است. همچنین، صادرات نفت روسیه به هند و سایر نقاط آسیای مرکزی و دیگر کشورهای جهان جنوب افزایش یافته است. بنابراین، روسیه به دنبال متحدان جدید است.

نمودار شماره ۵: خریداران نفت خام و گاز ال.ان.جی روسیه به دنبال تحریم‌های اتحادیه اروپا در

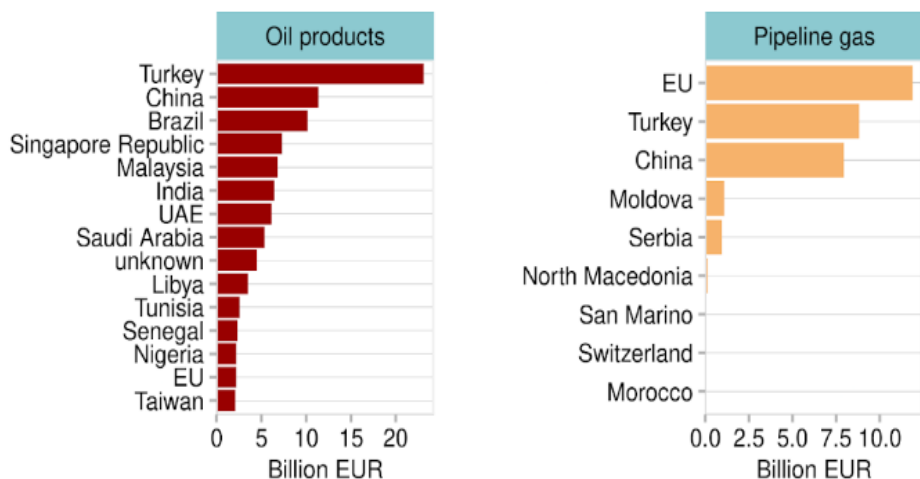
سال ۲۰۲۲



(Raghuhandan.2024)

نمودار شماره ۶: خریداران محصولات نفتی و گاز خط لوله روسیه پس از تحریم‌های اتحادیه اروپا در

سال ۲۰۲۲



Source: CREA analysis based on Kpler, Marine Traffic, ENTSG and customs data.

(Raghuhandan.2024)

نمودارهای شماره ۵ و ۶ نشان می‌دهند که چین ۴۵ درصد از کل صادرات زغال سنگ روسیه را از پنجم دسامبر ۲۰۲۲ تا پایان می ۲۰۲۴ خریداری کرده است. پس از آنها هند (۱۸ درصد) و

کره جنوبی (۱۰ درصد) قرار دارند. تایوان با خرید ۵ درصد از کل صادرات زغال سنگ روسیه از زمان تحریم‌ها، فهرست را تکمیل می‌کند.

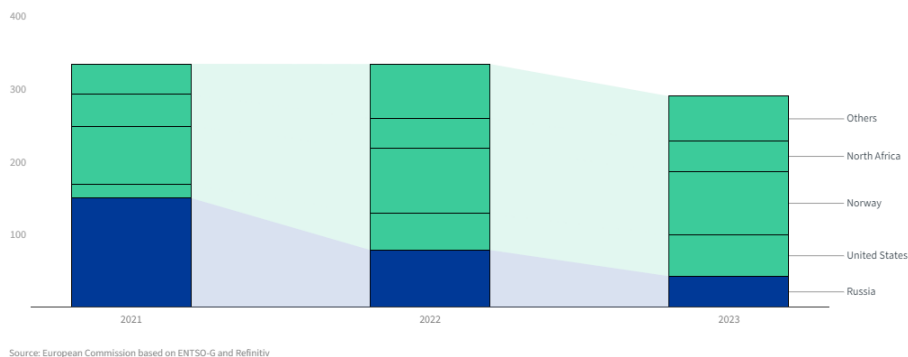
همچنین، پس از تحریم‌های اتحادیه اروپا، چین ۴۸ درصد از صادرات نفت خام روسیه را خریداری کرده است و پس از آن هند (۳۵ درصد)، اتحادیه اروپا (۷ درصد) و ترکیه (۶ درصد) در رده‌های بعدی قرار دارند.

در زمینه خرید گاز مایع یا ال.ان.جی، اتحادیه اروپا با خرید ۴۹ درصد از صادرات روسیه، بزرگ‌ترین خریدار بود و پس از آن چین (۲۰ درصد) و ژاپن (۱۸ درصد) قرار گرفتند. لازم به ذکر است که هیچ تحریمی برای محموله‌های گاز ال.ان.جی روسیه توسط اتحادیه اروپا اعمال نشده است (Raghunandan, 2024).

در حوزه فرآورده‌های نفتی، ترکیه، به عنوان بزرگ‌ترین خریدار، ۲۴ درصد از صادرات محصولات نفتی روسیه را خریداری کرده است و پس از آن چین (۱۲ درصد) و برزیل (۱۱ درصد) قرار دارند. تحریم‌های اتحادیه اروپا و گروه ۷ بر فرآورده‌های نفتی روسیه از طریق دریا در پنجم فوریه ۲۰۲۳ اجرا شد.

فهرست خریداران گاز خط لوله روسیه نشان می‌دهد که همچنان اتحادیه اروپا با خرید ۳۹ درصد گاز خط لوله روسیه، بزرگ‌ترین خریدار بوده و پس از آن، ترکیه (۲۹ درصد) و چین (۲۶ درصد) قرار دارند (Raghunandan, 2024). با این حال باید به این نکته مهم توجه داشت، در حالی که صادرات خط گاز لوله روسیه به اتحادیه اروپا تا قبل از جنگ با اوکراین در سال ۲۰۲۲، ۵۴ درصد بوده است، میزان صادرات آن به ۸/۷ درصد کاهش یافته است. این روند نزولی شدید نشان‌دهنده بن‌بست در دیپلماسی انرژی روسیه و اتحادیه اروپاست.

### نمودار شماره ۷: میزان واردات گاز اتحادیه اروپا (۲۰۲۱-۲۰۲۳)



(consilium,2024)

این نمودار نشان می‌دهد تا اوایل سال ۲۰۲۲، روسیه تأمین‌کننده اصلی گاز اتحادیه اروپا بوده است. اما با حمله روسیه به اوکراین، تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه مسکو و شکست دیپلماسی انرژی طرفین، سهم روسیه در تأمین گاز این اتحادیه به شدت کاهش می‌یابد و ایالات متحده آمریکا، نروژ و دیگر کشورها (از جمله الجزایر و جمهوری آذربایجان) جای روسیه را در بازار انرژی اتحادیه اروپا پر می‌کنند.

فراتر از هیدروکربن‌ها، روسیه به طور فعال در حال توسعه نیروگاه‌های هسته‌ای جدید در آفریقای جنوبی و آسیای مرکزی است و بیشترین سهم را از ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم در جهان دارد. این روابط در کوتاه‌مدت موجب ترغیب کشورهای غیرغربی می‌شود تا در سازمان ملل (سازمان ملل متحد) به مواضع روسیه رأی دهند و از تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه مسکو در درازمدت اجتناب کنند. همچنین، وابستگی مجارستان و صربستان به نفت و گاز روسیه همچنان بالاست و در ترکیه، امکان همکاری آنکارا با مسکو برای ایجاد هاب نفتی همچنان وجود دارد. بنابراین، روسیه هنوز می‌تواند از انرژی به عنوان سلاح استفاده کند (Balmaceda, Et.al,2023). به یک معنا، مناسبات امروز روسیه - اتحادیه اروپا هیچ تناسبی با چشم‌اندازهای خوش‌بینانه این اتحادیه برای جذب این کشور به سوی آرمان‌های لیبرال دموکراسی ندارد و نشانه‌ای از تحقق وابستگی متقابل مثبت میان روسیه و اروپا به چشم نمی‌خورد. در مقابل، ابعاد سلبی وابستگی متقابل روسیه - اتحادیه اروپایی پررنگ‌تر شده است و هم مسکو و هم بروکسل آگاهانه و به سرعت

در مسیر کاهش وابستگی به دیگری با هدف کاهش آسیب‌پذیری گام برمی‌دارند (حبیبی، اردستانی و طباطبائی‌پناه، ۱۳۹۸: ۱۰۵).

به‌طور کلی، به دلیل آنکه اتحادیه اروپا تلاش کرد سیاست جدید نسبت به روسیه را با توجه به الحاق کریمه و جنگ در شرق اوکراین تدوین کند، اختلاف میان کشورهای عضو در مورد نحوه برخورد با روسیه، توانایی بروکسل برای طراحی سیاستی مشخص‌تر را محدود کرد. اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را که به دلیل تجاوز روسیه در سال ۲۰۱۴ و پس از آن اعمال شده بود، حفظ کرد، اما از اقداماتی که به پروژه‌های بزرگ انرژی یا همکاری‌های اقتصادی آسیب می‌رساند و برای هر دو طرف ارزشمند بود، اجتناب کرد.

جنگ ۲۰۲۲ باعث ورشکستگی این سیاست و بیشتر مفاهیم پشتوانه آن شد. این امر به‌ویژه در مورد آلمان صدق می‌کرد که سیاستش پس از جنگ سرد در قبال روسیه نسخه به‌روزشده‌ای از «اوست پولوتیک»<sup>۱</sup> [سیاست شرق‌گرایی جمهوری دموکراتیک آلمان و عادی شدن روابط این کشور با کشورهای اروپای شرقی] در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و تحت عنوان مشارکت برای مدرن‌سازی بود. ایده تغییر روسیه از طریق وابستگی متقابل اقتصادی یا تجارت مانع از جنگ نشد، بلکه پوتین را به این باور رساند که به دلیل منافع انرژی و فرصت‌طلبی اقتصادی کشورهای بزرگ اتحادیه اروپا، اتحادیه روسیه را به شکل جدی تحریم نخواهد کرد. در نتیجه، وابستگی‌ها و آسیب‌پذیری‌ها افزایش یافت. حتی پس از حوادث سال ۲۰۱۴ در اوکراین، دولت آلمان با فروش چندین شرکت گاز، از جمله یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های اروپایی به غول گاز روسیه، یعنی گازپروم، در سال ۲۰۱۵ موافقت کرد. به دلیل وابستگی فزاینده آلمان به گاز روسیه پس از سال ۲۰۱۲، رهبری روسیه انتظار نداشت آلمان برای قطع [روابط] گاز و نفت با مسکو آماده باشد (Meister, 2023: 2).

کرم‌لین انتظار داشت که نه تنها آلمان، بلکه سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، از جمله اتریش و ایتالیا که به گاز روسیه وابسته هستند، قاطع عمل نکنند. با این حال، اتحادیه اروپا واکنشی قوی نشان داد. به‌ویژه، کمیسیون اروپا که از فوریه ۲۰۲۲ نقشی کلیدی در تهیه و اجرای هشت بسته تحریمی علیه روسیه از زمان نگارش این مقاله ایفا کرده است. اورسولا فون در لاین رئیس کمیسیون اروپا با تهیه پیش‌نویس این اقدامات، ثابت کرد کرم‌لین در این باور که بروکسل بازیگری درگیر با روسیه نیست، اشتباه می‌کند.

<sup>۱</sup>. Ostpolitik

رهبر روسیه، نه اتحادیه اروپا را به عنوان یک بازیگر چند سطحی درک کرده است و نه تعامل بین نهادهای اتحادیه اروپا و کشورهای عضو. برای کرملین، واگذاری حاکمیت به یک سازمان فراملی و ادغام با سایر کشورها نه نشانه قدرت، بلکه نشانه ضعف است. مسکو همیشه تلاش کرده از طریق کشورهای بزرگ عضو - به ویژه فرانسه، آلمان و ایتالیا - بر تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا تأثیر بگذارد و درعین حال، کشورهای کوچک‌تر و جنگ‌طلب‌تر، مانند لهستان و کشورهای بالتیک را کنار بگذارد. روسیه درک نکرده است که اتحادیه اروپا سیستمی منسجم است که کشورهای بزرگ عضو باید منافع کشورهای کوچک‌تر را مد نظر داشته باشند (Meister, 2023:3).

کشورهای عضو اتحادیه اروپا در سیاست تحریمی علیه روسیه، وحدت بی‌سابقه‌ای از خود نشان داده‌اند. کاهش روابط اقتصادی در سطح گسترده‌ای اتفاق افتاده است. آلمان، مهم‌ترین شریک تجاری روسیه در اتحادیه اروپا، به دلیل تحریم‌ها، در نیمه اول سال ۲۰۲۲ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، آمار ۳۴ درصد کاهش صادرات به روسیه را ثبت کرده است. بنابراین، روسیه از نظر مقصد صادراتی آلمان از رتبه چهاردهم به بیست‌وپنجم سقوط کرده است. پس از سال‌ها مناقشه میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا درباره تکمیل خط لوله گاز نورد استریم ۲ از روسیه به آلمان و مسیر دریای بالتیک، جنگ در اوکراین باعث شد تصمیم‌گیرندگان آلمانی ناگهان موافقت با این پروژه را به حالت تعلیق درآورند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا مانند آلمان که به شدت به گاز روسیه وابسته هستند، در حال افزایش منابع انرژی جایگزین در خاورمیانه، نروژ و ایالات متحده هستند که عمدتاً در چهارچوب گاز مایع می‌شود.

درواقع، جنگ ۲۰۲۲ خط بطلانی بر سیاست تعامل اتحادیه اروپا با روسیه بود. این امر به ویژه در مورد آلمان صدق می‌کند، کشوری که سیاست مشارکت برای مدرن‌سازی را در قبال روسیه در پیش گرفت، اما ایده تغییر روسیه از طریق وابستگی متقابل اقتصادی یا تجارت مانع از جنگ نشد، بلکه پوتین را به این باور رساند که به دلیل منافع انرژی و فرصت‌طلبی اقتصادی کشورهای بزرگ اتحادیه اروپا، این اتحادیه روسیه را به شکل جدی تحریم نخواهد کرد. در نتیجه، وابستگی‌ها و آسیب‌پذیری‌های اتحادیه اروپا افزایش یافت. حتی پس از حوادث سال ۲۰۱۴ در اوکراین، دولت آلمان با فروش چندین شرکت گاز، از جمله یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های گازی اروپا، به غول گاز روسیه گازپروم در سال ۲۰۱۵ موافقت کرد. بنابراین، کرملین انتظار داشت که نه تنها آلمان، بلکه سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، از جمله اتریش و ایتالیا که به گاز روسیه وابسته هستند، در مقابل جنگ قاطعیتی نداشته باشند. با این حال، واکنش اتحادیه اروپا قوی بوده است. به ویژه،

کمیسیون اروپا که از فوریه ۲۰۲۲ نقش کلیدی در تهیه و اجرای هشت بسته تحریمی علیه روسیه ایفا کرده و ثابت شد که کرملین در این باور که اتحادیه اروپا با روسیه درگیر نمی‌شود، اشتباه می‌کند (Meister, 2023: 4-5).

### نتیجه‌گیری

انرژی به مثابه ماده حیاتی برای زندگی، صنعت، کشاورزی و دیگر امور مربوط به زیست جهان، اهمیتی چشمگیر دارد و مالکان آن از قابلیت‌های مهمی برای تأثیرگذاری بر حیات دیگران برخوردارند. روسیه که جزء کشورهای با ذخایر کلان انرژی از جمله نفت، گاز و زغال‌سنگ است، صادرکننده سوخت به بسیاری از کشورهای جهان است. اتحادیه اروپا هم در چند دهه اخیر، مشتری اصلی نفت، گاز و زغال‌سنگ روسیه بوده است. نزدیکی جغرافیایی و سهولت در انتقال گاز، نفت و زغال‌سنگ و قیمت ارزان این سه ماده انرژی، نقش مهمی در وابستگی متقابل انرژی میان روسیه و اتحادیه اروپا در چند دهه اخیر داشته است. به‌نحوی که این اتحادیه و به‌ویژه آلمان، پروژه ساخت نورد استریم ۲ را برای افزایش همکاری‌های انرژی با روسیه شروع کردند. در این میان، روسیه به دلایل سیاسی، مانند حمله به گرجستان یا نارضایتی از انتخابات در اوکراین، از انرژی به‌خصوص گاز برای پیشبرد مقاصد سیاسی‌اش استفاده می‌کرد و اروپا هم ناچار بود که در بیشتر مواقع به خواسته‌های مسکو گردن نهد. بنابراین، روسیه از دیپلماسی انرژی برای افزایش وابستگی بیشتر اتحادیه اروپا به نفت و گاز و زغال‌سنگ خود بهره می‌برد. افزایش ناگهانی قیمت‌ها، قطع گاز در زمستان، تحمیل مفاد قرارداد با کشورهای عضو اتحادیه اروپا، هزینه‌های هنگفت در بخش انرژی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های انرژی روسی در بخش‌های سیاسی، اقتصادی، ورزشی و اجتماعی اروپا، همه ابزارهای دیپلماسی انرژی روسیه بود که باعث شد سیاست اجبار مسکو، اروپا را بیش‌ازپیش به انرژی روسیه وابسته کند.

با تهاجم روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، نظم امنیتی اروپای پس از جنگ سرد درهم شکست و روابط شکل‌گرفته میان اتحادیه اروپا و روسیه در سی سال گذشته، کاملاً بازنویسی شده است. برای سه دهه، اساس روابط روسیه و اتحادیه اروپا، وابستگی متقابل اقتصادی و انرژی بود. ولی اکنون، به دلیل آنکه روسیه بزرگ‌ترین تهدید برای صلح و ثبات در اروپاست، همه حوزه‌های مناسبات دوطرف امنیتی شده است. کشورهای اتحادیه اروپا تحریم‌های سختی را علیه روسیه اعمال کردند و میزان واردات نفت و گاز از روسیه را به‌شدت کاهش دادند. در چنین



شرایطی، دیپلماسی انرژی روسیه به دنبال بازارهای جایگزین اتحادیه اروپاست و توانسته است با فروش نفت به هند و چین، تأثیر تحریم‌های اتحادیه اروپا در این حوزه را کم‌اثر کند، اما در حوزه گاز، روسیه هنوز نتوانسته است آسیب‌های ناشی از کاهش واردات گاز به اتحادیه اروپا را جبران کند. با این حال، احداث پروژه سیبری قدرت ۲ و انتقال گاز به چین، مغولستان، ترکیه و هند، بخشی از پروژه دیپلماسی انرژی روسیه برای سال‌های آینده است. به علاوه، روسیه توافقات جدیدی با ترکیه و جمهوری آذربایجان امضا کرده است تا از طریق این کشورها، به اروپا گاز صادر کند. برای مثال، روسیه اقدام به ساخت یک هاب گازی برای ذخیره‌سازی گاز مایع خود در ترکیه کرد تا از این طریق بتواند دست‌کم بخشی از بازار ازدست‌رفته گاز خود در اروپا را بازیابی کند. همچنین، شرکت گازپروم روسیه و شرکت ملی گاز ایران، تفاهمنامه‌ای برای خرید گاز از روسیه امضا کرده‌اند و به گفته پوتین، ایران از مدت‌ها پیش خواستار صادرات گاز روسیه شده است. علاوه بر این اقدامات، شرکت‌های معتبر روسی توانسته‌اند با ایران، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان برای استخراج نفت و گاز تفاهمنامه و قراردادهایی را امضا کنند و این شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از تجارب و تکنولوژی خود، زمینه تأمین منافع روسیه در بخش انرژی را فراهم کنند.

## منابع و مأخذ

### فارسی:

- حبیبی، محسن؛ بخشایشی اردستانی، احمد و طباطبائی پناه، سیدعلی، (۱۳۹۸)، «اثر انرژی روسیه در برابر اتحادیه اروپایی در سایه تحریم»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۶، تابستان، ۲۷-۵۸.
- خواجه، الهام، (۱۳۹۵)، تأثیر بحران/اوکراین ۲۰۱۴ بر روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا، «پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ سلیمی، حسین و منادی‌زاده، محمدحسین، (۱۳۹۸)، «روابط هند و آمریکا از منظر وابستگی متقابل (۲۰۱۵-۱۹۹۰)»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال هفتم، شماره دوم، بهار و تابستان، ۶۷-۱۰۴.
- سیمبر، رضا و رضاپور، دانیال، (۱۳۹۸)، «قدرت ژئوپلیتیکی و روابط ژئوانرژی روسیه با اتحادیه اروپا در اوراسیای بزرگ»، فصلنامه روابط خارجی، سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان، ۳۵-۶۱.

قاسمی، روح‌الله، (۱۴۰۱)، «تحریم‌های غرب علیه روسیه؛ میزان تاب‌آوری مسکو»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان/اسلام*، زمستان، شماره ۹۲، ۵-۳۲.

مومنی، مجیدرضا و توکلی مرند، محمدرضا، (۱۴۰۰)، «ژئوپلیتیک انرژی و روابط روسیه و اتحادیه اروپا»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، سال سوم، شماره ۳۳، پاییز، ۸۴-۱۰۱.

وٹوقی، سعید؛ زارعی هدک، معصومه و زارعی هدک، محمد، (۱۳۹۴)، «راهبرد متقابل انرژی در روابط روسیه و اتحادیه اروپا»، *فصلنامه مطالعات اوراسیایی مرکزی*، دوره ۸، شماره ۱، بهار و تابستان، ۱۳۷-۱۴۸.

## انگلیسی:

- Aalto, Pami, (2014) Energy market integration and regional institutions in East Asia. *Energy Policy* 74: 91-100
- Aalto,Pami.(2016), Russian Energy Diplomacy, In book: *Encyclopedia of Mineral and Energy Policy* (pp.1-5), available at:  
[https://www.researchgate.net/publication/307873398\\_Russian\\_Energy\\_Diplomacy](https://www.researchgate.net/publication/307873398_Russian_Energy_Diplomacy)
- Balmaceda,Margarita , Greene, Sam , Schmitt,Benjamin , Kluge,Janis and Olena Pavlenko. *Winning Europe's Energy War with Russia*.(2023), available at:  
<https://cepa.org/comprehensive-reports/winning-europes-energy-war-with-russia/>
- Belyi, A. (2015). *Transnational gas markets and Euro-Russian energy relations*. Basingstoke:Palgrave Macmillan.
- consilium.europa.eu.(2024). *Where does the EU's gas come from?*, available at:  
<https://www.consilium.europa.eu/en/infographics/eu-gas-supply/>.
- Dale Copeland, "Economic interdependence and war: A theory of trade expectations," *International Security* 20:4 (1996), 5.
- Demertzis, Maria & Hilgenstock, Benjamin & McWilliams, Ben &, Ribakova, Elina, & Tagliapietra, Simone (2022), *"How Have Sanctions Impacted Russia?"*, available at: How have sanctions impacted Russia?
- Einstein, Joel.(2017). *Economic Interdependence and Conflict – The Case of the US and China*, available at: [https://www.e-ir.info/2017/01/17/economic-interdependence-and-conflict-the-case-of-the-us-and-china/#\\_ftn8](https://www.e-ir.info/2017/01/17/economic-interdependence-and-conflict-the-case-of-the-us-and-china/#_ftn8)
- Gorska, J. A. (2010). *Dealing with a Juggernaut: Analyzing Poland's policy toward Russia,1989–2009*. Plymouth: Rowman & Littlefield.
- Högselius, P. (2013). *Red gas: Russia and the origins of European energy dependence*.Basingstoke: Palgrave.
- In G. Tiess, T. Majumder and P. Cameron (eds.) (2016) *Encyclopedia of Mineral and Energy Policy*, pp. 1-5. Berlin: Springer.
- Levy, Jack & Katherine Barbieri. "Sleeping with the enemy: The impact of war on trade," *Journal of Peace Research* 36:4 (1999), 463-479.
- Lough, J (2011) *Russia's energy diplomacy*. Chatham House briefing paper REP RSP BP 2011/0.
- MacMillan, S. M. (1997). Interdependence and conflict. *Mershon International Studies Review*, 1(41), 33-58.

- McBride, James. (2022). *Russia's Energy Role in Europe: What's at Stake With the Ukraine Crisis*, available at: <https://www.cfr.org/in-brief/russias-energy-role-europe-whats-stake-ukraine-crisis>
- Meister, Stefan (2023), *A Paradigm Shift: EU-Russia Relations After the War in Ukraine*, available at: <https://carnegieeurope.eu/2022/11/29/paradigm-shift-eu-russia-relations-after-war-in-ukraine-pub-88476>
- Motomura, M (2014) Japan's need for Russian oil and gas: A shift in energy flows to the Far East. *Energy Policy* 74. pp: 68-79.
- Raghunandan, Vaibhav.(2024), May 2024 — *Monthly analysis of Russian fossil fuel exports and sanction*, available at: <https://energyandcleanair.org/may-2024-monthly-analysis-of-russian-fossil-fuel-exports-and-sanctions/>
- Romanova, T (2014) *Russian energy in the EU market: Bolstered institutions and their effects*. *Energy Policy* 74: 44-53.
- Siddi, Marco. (2022), *EU-Russia Energy Relations*, *Handbook of Energy Governance in Europe*, pp: 237-261.
- Siddi,Marco. (2020), *EU-Russia Energy Relations*, In book: *EU-Russia Energy Relations*, available at: [https://www.researchgate.net/publication/340129067\\_EU-Russia\\_Energy\\_Relations](https://www.researchgate.net/publication/340129067_EU-Russia_Energy_Relations).
- Slobodian,Natalia.(2023). *Russian Energy Diplomacy: Instruments and Approach*, available at: <https://pulaski.pl/en/russian-energy-diplomacy-instruments-and-approaches/>.
- Tichý,Lukáš. 2019), *EU-Russia Energy Relations A Discursive Approach*, Institute of International Relations, Praha, Czech Republic.
- Tkachenko, S (2007) *Actors in Russia's energy policy towards the EU*. In: Aalto P (ed) *The EU-Russian energy dialogue: Europe's future energy security*. Ashgate, Farnham, UK, p 163-92.

